



آشنایی با قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

قسمت دهم:

به قلم: محمد موحد

معیوب گردد و عیب آن رفع نگردد.

قطع عضو: عبارت است از این که عضوی از بدن جدا شده و دیگر به حالت اول بر نگردد.

در حین خدمت یا در ارتباط با آن: نکته مهمی که در ماده ۲۹ بر آن تأکید شده این است که ایراد ضرب یا جرح یا نقص عضو یا قطع عضو بایستی از سوی مقام مادون نسبت به مقام مافوق در حین خدمت یا در ارتباط با آن باشد حال کدامیک از دو طرف بایستی در حال خدمت باشند؟ مقام مادون؟ یا مقام مافوق؟ یا هر دو؟ و آیا لازم است هر دو مقام خدمت مشترک داشته باشند؟ برای هر یک از موارد مذکور مثالی می‌زنیم تا روشن شود مقام مادون و مافوق چه ارتباطی بایستی از نظر خدمت با یکدیگر داشته باشند؟

حالت اول: ممکن است مقام مادون در حال خدمت ولی مقام مافوق در حال خدمت نباشند مثل این که افسری بدون این که در حال خدمت باشد از چراغ قرمز عبور کند و مورد اعتراض و سپس ایراد ضرب یا جرح درجه‌دار راهنمایی مستقر در محل قرارگیرد.

حالت دوم: ممکن است مقام مافوق در حال خدمت ولی مقام مادون در حال خدمت

مسلحی در هیچ جای جهان بدون تحقق این مهم دوام و بقایی ندارد، لذا قانون‌نگزار با درک این مطلب مرتکبین جرائم اهانت و ایراد ضرب و جرح نسبت به مافوق را علاوه بر مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی که برای هر فردی که مرتکب اهانت و ایراد ضرب و جرح نسبت به دیگری می‌شود در نظر گرفته مجازات مضاعفی پیش‌بینی نموده است، لذا در ماده ۲۹ برای فردی که نسبت به مافوق خود مرتکب ضرب یا جرح یا نقص عضو می‌گردد، علاوه بر این که حسب مورد به دیه یا قصاص محکوم می‌شود مجازات یک تا پنج سال حبس نیز مقرر گردیده است.

در مورد ماده ۲۹ این نکات قابل توضیح است:
ایراد ضرب: عبارت است از وارد آوردن صدمات بدنی از قبیل کوفتگی، شکستگی، خونمردگی و... که منجر به خونریزی نشود.
ایراد جرح: عبارت است از وارد آوردن صدماتی که منجر به خونریزی شود حتی اگر به اندازه مرحله قبلی شدید نباشد.

نقص عضو: عبارت است از این که عضو سالم و بدون عیب از حالت سلامت درآمده و

در شماره پیشین ناماده ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مورد بحث قرار گرفتند. اینک به شرح و توضیح بپردازیم ماده ۲۹ به بعد می‌پردازیم.

ماده ۲۹ - هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن نسبت به مافوق خود مرتکب ضرب یا جرح یا نقص عضو شود حسب مورد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.

ماده ۳۰ - مرتکبین جرائم مواد ۲۸ و ۲۹ چنانچه مرتکب قتل شوند در صورتی که حکم قصاص در مورد آنها اجراء نشود حسب مورد به مجازاتهای مقرر در دو ماده مذکور محکوم می‌شوند.

ماده ۳۱ - هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن به مافوق خود به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از یکماه تا یکسال محکوم می‌شود.

مسئله سلسله مراتب فرماندهی در نیروهای مسلح و رعایت شئون فرماندهان و حفظ حرمت مقامات مافوق امری درخور اهمیت و اجتناب‌ناپذیر است و هیچ نیروی

نباشد، عکس مثال قبلی یعنی این که مثلاً درجه داری بدون این که در حال خدمت باشد

● ماده ۳۱ - هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن به مافوق خود به نحوی از اهانتهای نماید به حبس از یکماه تا یکسال محکوم می شود.

از چراغ قرمز عبور کند وقتی مورد اعتراض افسر راهنمایی مستقر در محل قرار می گیرد او را مورد ضرب یا جرح قرار دهد.

حالت سوم: ممکن است افسری در محل خدمت به درجه دار زیر دست خودش دستور انجام اقدامات قانونی در راستای وظایفش بدهد و او ضمن لغو آن دستورات با مقام مافوق خود درگیر شده او را مورد ضرب و جرح یا... قرار دهد.

● نکته دیگر این که لازم نیست حادثه صرفاً در هنگام خدمت رخ دهد بلکه می تواند در ارتباط با مسائل خدمتی ولی در محل خدمت نباشد و به بیرون از یگان هم منتقل شود

مستفاد از ماده ۲۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح این است که بین مقام مآدون و مقام مافوق بایستی یک ارتباط خدمتی مشترک وجود داشته باشد نه این که خدمت هر کدام از آنها به طور جداگانه در یگان مستقلی تصور گردد. اگر چه برای تمام مصادیق ذکر شده مجازات قانونی وجود دارد اما مشمول این ماده نیست.

نکته دیگر این که لازم نیست حادثه صرفاً در هنگام خدمت رخ دهد بلکه می تواند در

ارتباط با مسائل خدمتی ولی در محل خدمت نباشد و به بیرون از یگان هم منتقل شود مثل این که مقام مآدون، مقام مافوق خود را در ارتباط با مسائل خدمتی و اختلافاتی که در این خصوص ایجاد شده در خارج از یگان خدمتی مورد ضرب یا جرح یا... قرار دهد.

در ماده ۳۰: مرتکبین جرائم مندرج در مواد ۲۸ و ۲۹ که تعرض به نگهبان است که قبلاً مورد بحث قرار گرفته و ایراد ضرب و جرح نسبت به مافوق چنانچه مرتکب قتل شوند و قصاص نشوند را مشمول مجازاتهای تعزیری مندرج در مواد ۲۸ و ۲۹ دانسته است یعنی این که هر نظامی که نگهبان یا مقام مافوق خود را به قتل برساند مانند هر فرد دیگری به قصاص نفس محکوم و اعدام خواهد شد اما اگر به دلائلی مثل اخذ رضایت اولیای دم قاتل اعدام نگردد به مجازات حبس مندرج در دو ماده محکوم می گردد. طبیعی است در صورت اجرا قصاص زمینه اجراء حبس از بین خواهد رفت.

در ماده ۳۱: اهانت به مافوق مورد بحث قرار گرفته و با همان قیود در حین خدمت و یا در ارتباط با آن مرتکب را مسحق مجازات حبس از یک ماه تا یکسال دانسته است. همان طور که در شماره پیشین توضیح داده شد اهانت و توهین به افراد عبارت است از به کاربردن الفاظ یا انجام حرکاتی که مستلزم رنجش طرف مقابل و وارد شدن لطمه به آبروی او شود.

اشکال ظاهری که در تنظیم مواد ۲۹، ۳۰ و ۳۱ به نظر می رسد این است که ترتیب منطقی ندارد یعنی این که می بایست در یک ماده اهانت، سپس ایراد ضرب، جرح، نقص و قطع در ماده بعدی قتل مافوق مطرح می شد و یا بالعکس که این گونه نیست. در اصلاحات بعدی قانون مورد توجه قرار خواهد گرفت. انشاءالله

ماده ۳۲ - هر یک از فرماندهان و مسئولین خسارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آئین نامه انضباطی به افراد تحت امر خود اهانت یا آنها را تیبیه نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم و هرگاه به موجب قوانین جزایی دیگر مستلزم حد یا قصاص

ارتباط با مسائل خدمتی و اختلافاتی که در این خصوص ایجاد شده در خارج از یگان خدمتی مورد ضرب یا جرح یا... قرار دهد.

در ماده ۳۰: مرتکبین جرائم مندرج در مواد ۲۸ و ۲۹ که تعرض به نگهبان است که قبلاً مورد بحث قرار گرفته و ایراد ضرب و جرح نسبت به مافوق چنانچه مرتکب قتل شوند و قصاص نشوند را مشمول مجازاتهای تعزیری مندرج در مواد ۲۸ و ۲۹ دانسته است

یعنی این که هر نظامی که نگهبان یا مقام مافوق خود را به قتل برساند مانند هر فرد دیگری به قصاص نفس محکوم و اعدام خواهد شد اما اگر به دلائلی مثل اخذ رضایت اولیای دم قاتل اعدام نگردد به مجازات حبس مندرج در دو ماده محکوم می گردد. طبیعی است در صورت اجرا قصاص زمینه اجراء حبس از بین خواهد رفت.

در ماده ۳۱: اهانت به مافوق مورد بحث قرار گرفته و با همان قیود در حین خدمت و یا در ارتباط با آن مرتکب را مسحق مجازات حبس از یک ماه تا یکسال دانسته است. همان طور که در شماره پیشین توضیح داده شد اهانت و توهین به افراد عبارت است از به کاربردن الفاظ یا انجام حرکاتی که مستلزم رنجش طرف مقابل و وارد شدن لطمه به آبروی او شود.

اشکال ظاهری که در تنظیم مواد ۲۹، ۳۰ و ۳۱ به نظر می رسد این است که ترتیب منطقی ندارد یعنی این که می بایست در یک ماده اهانت، سپس ایراد ضرب، جرح، نقص و قطع در ماده بعدی قتل مافوق مطرح می شد و یا بالعکس که این گونه نیست. در اصلاحات بعدی قانون مورد توجه قرار خواهد گرفت. انشاءالله

ماده ۳۲ - هر یک از فرماندهان و مسئولین خسارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آئین نامه انضباطی به افراد تحت امر خود اهانت یا آنها را تیبیه نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم و هرگاه به موجب قوانین جزایی دیگر مستلزم حد یا قصاص

یا دپه باشد به آن مجازات نیز محکوم می‌گردد.

در مواد ۲۹، ۳۰، ۳۱ - بحث اهانت، ایراد ضرب و جرح و قتل از سوی مادون نسبت به مافوق مطرح بود ولی در ماده ۳۲ عکس آن مطرح است. یعنی اگر فرماندهی نسبت به زیردست خود مرتکب اهانت، ایراد ضرب، ایراد جرح، قطع عضو، نقص عضو یا قتل گردد نیز حسب مورد به مجازاتهای مقرر در قانون محکوم خواهد شد. مثلاً اگر اهانت فرمانده نسبت به زیر دست مصداق حد قذف باشد که در شماره قبل توضیح داده شد (یعنی فرمانده به زیر دست اهانتی نماید که در آن زنا یا لواط باشد) به حد قذف محکوم می‌شود و اگر صدمات بدنی موجب دپه وارد کند (غیر عمد) بایستی دپه بپردازد و اگر صدمات عمدی وارد آورد به قصاص عضو محکوم و اگر عملش موجب قتل زیر دست گردد به قصاص نفس (اعدام) محکوم خواهد شد. در اینجا نیز اگر قصاص نفس به دلیلی مثل رضایت اولیای دم صورت نگیرد مجازات حبس تعزیری به مدت یک تا شش ماه قابل اعمال است. اما نکته قابل توجه این که فرماندهان به موجب مقررات نظامی و آئین نامه انضباطی دارای یک سری اختیارات هستند که می‌توانند مستند به آن اختیارات افراد متخلف زیر دست را تنبیه انضباطی نمایند اما همان اختیارات هم اهانت به افراد و تنبیه بدنی آنان را شامل نمی‌شود مثل این که متخلف را در یگان بازداشت نموده یا او را برای مدتی به اضافه خدمت تنبیه نمایند. اگر چه نحوه نگارش ماده ۳۲ طوری است که این شبهه را به وجود می‌آورد و به نظر می‌رسد فرماندهان اگر خارج از اختیارات فرماندهی به زیر دست اهانت کنند مجازات می‌شوند ولی اگر در محدوده اختیارات اهانت کنند مجازند!! در صورتی که اهانت به افراد مطلقاً ممنوع است و هیچوقت داخل در محدوده اختیارات نمی‌شود.

ماده ۳۳ - هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه یا تهدید فرمانده و یارنسی یا هر

مافوق دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا به طور مکرر به عدم توانایی جسمی یا روحی متعذر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی بیمار او ثابت گردد یا در انجام خدمت بی‌علاقه باشد و این بی‌علاقگی و سهل‌انگاری عملاً در موارد متعدد ظاهر شده باشد به ترتیب زیر محکوم می‌شود

- ۱- هرگاه در مقابل دشمنان داخلی یا خارجی باشد در صورتی که عمل وی موجب افساد و اختلال در نظام و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال.
- ۲- هرگاه در زمان جنگ باشد به حبس از یک تا پنج سال.
- ۳- در سایر موارد به حبس از سه ماه تا یکسال.

در این ماده بحث فرار از کار و مسئولیت و شانه خالی کردن عده‌ای از انجام وظایف محوله مطرح است. خوانندگان گرامی در هر اداره، نهاد، سازمان، مؤسسه و تشکیلات خصوصی یا دولتی شاید مشاهده کرده باشند که بعضاً افرادی پیدا می‌شوند که کمتر به انجام وظیفه و مسئولیت می‌پردازند و ترجیح می‌دهند بههربانهای که شده محیط کار را ترک گفته و کارهایشان را به دیگران تحمیل نمایند. تعداد این گونه افراد هر چند کم باشد ولی در محیط کار ایجاد سستی و رکود نموده و باعث تضعیف روحیه سایر همکاران می‌شود، حال اگر این مطلب در نیروهای مسلح که نظم و انضباط یکی از ارکان اساسی آنان است اتفاق بیفتد گاهی ممکن است ضربات جبران ناپذیری وارد آورد لذا قانون‌گذار با اعمال مجازات سخت خواسته تا از بروز این مسائل در محیط‌های نظامی و انتظامی جلوگیری کند. بنابراین چنانچه یک نظامی دست به خودزنی بزند و از این کار فرار از کار یا انجام وظیفه یا ترساندن فرمانده، رئیس یا مافوق خود را مراد کرده باشد، مشمول مجازات خواهد بود. بعضاً اتفاق می‌افتد فردی نظامی برای این که شبها سرپست نگهبانی نرود و یا

از انجام کارهای سخت و طاقت فرسا آسوده شود به خودش صدمه‌ای وارد می‌کند مثلاً با شلیک گلوله به دست یا پای خود حاضر می‌شود عمری بانقض عضو زندگی کند ولی کار سخت انجام ندهد و یا این که برای ایجاد

● ماده ۳۲ - هر یک از فرماندهان و

مسئولین خارج از محدوده اختیارات

فرماندهی و آئین نامه انضباطی به افراد

تحت امر خود اهانت یا آنها را تنبیه نماید

به حبس از یک تا شش ماه محکوم و هرگاه

به موجب قوانین جزایی دیگر مستلزم

حد یا قصاص یا دپه باشد به آن مجازات

نیز محکوم می‌گردد.

ترس در دل فرمانده یا رئیس خود به اقداماتی از این دست متعرض می‌گردد تا به فرمانده القاء شود بالاخره کسی که به خودش آسیب می‌رساند بعید نیست روزی به من هم آسیب برساند، لذا همیشه مرعوب وی ده و مجبور می‌شود از واگذاری کارهای دشوار به او خودداری نموده اصطلاحاً به او باج دهد. و یا این که مکرر ادعاهای عدم توانایی، ابتلاء به بیماری روحی یا جسمی و غیره نماید و بعضاً با ارائه گواهیهای استراحت پزشکی از طریق پزشکان آشنا از انجام کار و وظیفه سرباز می‌زند و یا در انجام کارها با سستی و بی‌علاقگی ظاهر شده سعی در دفع الوقت و اصطلاحاً سمبل کاری دارد. وجود این گونه عناصر همیشه در محیط‌های کار اجتماعی به عنوان یک آفت شمرده شده و باعث قتل شدن سایر نیروها می‌گردد. تصور شود این گونه افراد در محیط نظامی و یگانگی که در حالت رزم در مقابل دشمن است چه آسیب جبران ناپذیری را ممکن است وارد کند شاید اگر روزی چند تن از این گونه افراد دریگانی

